

بررسی اوضاع سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی مردم هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی

محمد فریدونی نسب ۱

علی اصغر زنگویی فرد ۲

چکیده:

در این مقاله سعی شده است اوضاع سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی مردمانی مورد بررسی قرار گیرد که بخش مهمی از تاریخ ملل شرقی را در خاورمیانه شکل داده اند ولی با این وجود تا حدی ناشناخته مانده اند. این مردمان اشتراکات زیادی با هم داشته اند و با بررسی نژاد آنها به ریشه ای یکسان برخورد خواهیم کرد. همه ی آنها از لحاظ جغرافیای در حوزه سلسله جبال زاگرس قرار می گیرند که در ازمنه مشخصی از تاریخ تاثیرات مهمی بر محیط پیرامون و تمدن های هم عصر خویش از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گذاشته اند. ما بر آن بوده ایم تا ریشه نژادی مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی را و همچنین محل سکونت آنان و نیز تاثیراتشان بر ملل دیگر و نظریه های مختلفی که راجع به آنها مطرح گردیده است را بررسی و با روشی تحلیلی آنچه را که صحیح و دارای صحتی تاریخی است ارائه گردانیم. این تحقیق به روش کتابخانه ای انجام شده است و از مهمترین و معتبرترین منابع در نگارش آن استفاده گردیده است.

واژگان کلیدی: باستان، زاگرس، هیتی، کوتی، کاسی، لولوبی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی. mfaridi78@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

مردم هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی فصل مهمی از تاریخ باستان مشرق زمین را بوجود آورده اند. این مردم که اسم آنها از هزاره سوم قبل از میلاد در منابع ذکر گردیده است، مسکن اولیه شان از نظر جغرافیایی سلسله جبال زاگرس بوده که مردم هیتی و کاسی به ترتیب در شمال و جنوب و کوتی ها و لولوبی ها در میانه این کوهها قرار می گرفتند. اینها دارای سابقه تاریخی و جزء اولین تمدن های بشری بوده اند که برعکس بیشتر تمدن های هم زمان و قبل و بعد از خود عاری از برده داری و استبداد شایع در آن زمان و بدور از رسم رباخواری بوده اند. آنها دارای مجلس مردمی بودند که هر رئیس خانواده جزء آن محسوب می شد و دارای شورای انتخابی دهکده ها بوده اند و سازمان های اداری ایشان از آزادی برخوردار بوده است. این مردمان دارای رویکرد های سیاسی و حکومتی و نیز دین و مذهب مشترکی بوده اند. این چنین ویژگی های مثبت باعث نگاه غبطه آمیز بردگان و ستم دیدگان تمدن های هم عصرشان به آنها می شد. با نگاهی به آثار باستانی و گنجینه های کشف شده در زاگرس که اکنون زینت بخش موزه های بزرگ جهان هستند تا حدی توانایی های فرهنگی و هنری این مردم پدیدار می گردد. آنها در ارتباط با دیگر قدرتها و تمدن های زمان خود حتی آنجا که مناطقی مانند بین النهرین و خاصه بابل را برای قرون متمادی به زیر فرمان خود درآورده اند در بیشتر اوقات رفتاری متسامح داشته اند و خود را ادامه دهنده سلسله قبلی می دانسته اند و حتی خدایان آن ها را هم پذیرفته اند. در نژاد شناسی هیتیان، کوتیان، کاسیان و لولوبیان با دو نظریه روبرو هستیم که هر نظریه، آنها را به گروه نژادی خاصی مربوط می داند. یک نظریه آنها را از نژاد آسیایی یعنی غیر از نژاد سامی و هند اروپایی و اورالتایی معرفی می کند و نظریه دیگر آنها را از نژاد هندواروپایی می داند. اینکه این مردمان را به طور یقینی مربوط به یک نژاد خاص بدانیم تقریباً امکان پذیر نیست بنابراین هر دو نظریه را مشروحاً خواهیم آورد. بطور کلی اوضاع جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی را بررسی می کنیم و مطالب مربوط به هر یک از این سه

مورد را در سه فصل جداگانه با همین سه عنوان بیان خواهیم کرد و در هر فصل سوالات مختلفی که راجع به آنها وجود دارد پاسخ می‌دهیم.

جغرافیا

راه رسیدن به ایران و بخش زاگرس آن از طریق پیمودن قفقاز از راه ارمنستان به آناتولی و سپس به کوهستانهای زاگرس است (کمرون، ۱۳۷۸، ص ۷). بازرگانی در آن مناطق بی رونق است و تنها یک بخش از زاگرس راه آسانی به خود فلات ایران، خلیج فارس و ناحیه حاصلخیز و از دیر باز متمدن بابل دارد که جلگه شوش است (کمرون، ۱۳۷۸، ص ۸). سلسله جبال زاگرس از شمال غربی به جنوب شرقی ممتد است و بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰ کیلومتر عرض دارد. مراتع واقع در دامنه‌های مرتفع کوههای فوق، بقایای جنگلهای انبوه سابق هستند که دارای بلوط، گردو، بادام و پسته بوده اند (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۲۱). خشک شدن تدریجی ناحیه خاور نزدیک موجب گرد آمدن جمعیت‌ها در دره‌های رودخانه دار و دامنه‌های حاصلخیز سلسله جبال زاگرس شد. رشته کوههای زاگرس که ناحیه بین‌النهرین جنوبی را از سمت مشرق و شمال محصور می‌ساخت، شامل کوههای توروس در جنوب شرقی آسیای صغیر و علاوه بر آن سراسر خاک کردستان و قسمت بزرگی از ارمنستان تا کوههای جنوب غربی فلات ایران بود (امتداد دارند) (لینتون، ۱۳۳۷، ص ۲۹۷). پادشاهان آشور در هزاره اول ق.م با تپه نشینان در رشته کوه زاگرس (هیتیان، کوتیان، کاسیان و لولوبیان) جنگیدند (ناردو، ۱۳۸۵، ص ۵۳). در حدود هفتصد سال ق.م در سلسله جبال زاگرس مردمانی سکونت داشتند که در منابع آشوری بر روی هم به نام کوتیان و لولوبیان می‌خواندند و در نواحی نزدیک به کاسیان ساکن بودند و قفقاز و همچنین در کرانه غربی آن دریاچه، هیتیانها سکونت داشتند (لینتون، ۱۳۳۷، ص ۲۱۰ و ۲۱۱). هیتیانها از کوهستانهای ارمنستان برخاسته بودند، که در هزاره دوم ق.م در نواحی شمال دجله و دامنه‌های زاگرس می‌زیستند سپس به سوی غرب پیش رفته تا به سوریه رسیدند (بهزادی، ۱۳۸۴، ص ۳۱). سارگن دوم به سرزمین زاگرس لشکرکشی نمود، در سالنامه‌های او از سرزمینهای کوتی و لولوبی نام برده شده و پس از او نارام سین

(۲۷۱۱-۲۶۸۹ ق.م) پادشاه اکد به ناحیه مرکزی زاگرس یعنی مسکن مردمان کوتی و لولوبی لشکر کشید (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۳). بخشی از خاک ماد در ربع سوم هزاره سوم ق.م جزء منطقه ای است که منابع کتبی می گویند در کوهپایه های غربی زاگرس، هیتیان، لولوبیان و کوتیان زندگی می کردند. در ناحیه مشرق دجله از کوههای زاگرس از روی اسامی خاص اشخاص وجود هیتیان ثابت شده است و در هزاره دوم ق.م نیز آنان در ناحیه کرکوک کنونی (آرپخای باستانی) می زیسته اند (لینتون، ۱۳۳۷، ص ۹۹). ساکنان کوهستان زاگرس به استناد کتیبه ها و الواح بابلی، آشوری و عیلامی مردم کوتی، هیتی، کاسی و لولوبی بوده اند (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۲). هیتیان در بین کوههای زاگرس و دریاچه ارومیه زندگی می کردند و در هزاره دوم ق.م در بین النهرین شمالی، سوریه و سراسر فلات ارمنستان و آذربایجان از سلسله جبال زاگرس پراکنده بودند. هیتیان در هزاره اول ق.م در مغرب و جنوب دریاچه وان مستقر بودند. هیتی ظاهراً مشتق از هورایا یا اورا است که شهر اورفا در ناحیه آسیای صغیر از کوهستان زاگرس از این نام گرفته شده است (مشکور، ۱۳۷۱، ص ۱۱۵ و ۱۱۶). در حدود ۱۸۰۰ ق.م بیشترین تمرکز هیتی ها در ناحیه شرق دجله از کوههای زاگرس بود اما آنها همچنین در نواحی بین النهرین علیا و ساحل غربی فرات از سلسله جبال زاگرس حضور فعال داشته اند (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۱۶۹). در نخستین ربع هزاره دوم ق.م حضور هیتیان در هلال خضیب افزایش یافت بطوریکه در سال ۱۸۰۰ ق.م هیتیان در شهرهای علاله مابین حلب و انطاکیه اکثریت را تشکیل می دادند. هیتیان بربخش های شمال سوریه و شمال بین النهرین از سلسله جبال زاگرس تسلط داشتند و قلب سرزمین آنان در اینجا منطقه بلیخ خابور بود (رو، ۱۳۶۹، ص ۲۱۲). طبق منابع، شرقی ترین منطقه ای که وجود هیتیان در آن ذکر شده در هزاره سوم و دوم ق.م ناحیه کرکوک^۱ و بخش وسطی دره دیاله از سلسله جبال زاگرس بوده است. هیتیان در سواحل غربی و شمالی دریاچه ارومیه نیز ساکن بوده اند (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۴۷۷ و ۴۷۸). مرکز سرزمین هیتیاها در نواحی بین النهرین علیا و آسیای صغیر در امتداد زاگرس شمالی، شهر واشوکانی واقع در ۳۳۵

کیلومتری شمال غربی آشور بود (ناردو، ۱۳۸۵، ص ۴۱) و پایتخت آنها شهر آریخی^۱ باستانی (کرکوک فعلی) بود (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۸۰). مردم کوتی به ظن غالب در در محلی شرقی تر از لولوبیان زندگی می کردند. واژه کوتی در هزاره سوم و دوم ق.م به یک گروه معینی اطلاق می شده که در مشرق و شمال غربی لولوبیان و احتمالاً در آذربایجان کنونی ایران و کردستان زندگی می کردند (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳). کوتی ها سال ۲۲۳۴ ق.م که بر بین النهرین فرمانروایی می کردند در مشرق شهر زور ساکن بودند. پادشاه اکد به ناحیه مرکزی زاگرس یعنی مسکن مردمان کوتی و لولوبی لشکر کشید. در جنوب زاگرس ولایتی وجود داشت که آن را الی پی می گفتند، در شمال الی پی عده ای از باقیمانندگان مردم کوتی سکونت داشتند. لولوبی ها هم در اطراف زور در زاگرس شمالی در بخش بین النهرین علیا زندگی می کردند (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۳). طبق کتیبه های آشوری سرزمین کوتیان در شمال به دامنه سلسله جبال زاگرس و اربیل^۲ در جنوب به دولت شیروم یا آلتون کوپری فعلی نزدیک زاب کوچک و ناحیه هارش یا توزخرماتو و در مشرق به کرکوک و در مغرب به سرزمین لولوبی در جبال زاگرس محدود بود (نیکولسکی، ۱۳۵۰، ص ۴۷). در سنگ نوشته ها و الواح آشوری آمده است لولوبی ها در دشت زهاب و شهر زور و شهر بازار در کوهستان زاگرس سکونت داشتند (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۹). در مرز شمال عیلام تا سده نهم ق.م که سرزمین الی پی قرار داشت در مناطق شمالی تر آن کوتیان زندگی می کردند و مثل دوره های پیشین مردمی که لولوبی نامیده می شدند هنوز جلگه های حاصلخیز شهر زور را در تصرف داشتند. نام عمومی برای مناطق باستانی لولوبی زاموا یا مازاموا بوده است (کمرن، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷ و ۱۰۸). در جنوب سلسله جبال زاگرس مردمی بودند موسوم به کاسی و مورخان یونانی آنان را اوکسیان یا کوسیان می نامیدند (مشکور، ۱۳۷۱، ص ۱۱۱). استرابون و مورخان اسکندر مردم کوهستان جنوب زاگرس را کوسیان، اوکسیان، الیمائیان (کاسیان) می خواندند. کاسی ها در جنوب سلسله جبال زاگرس ساکن بودند (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۸۱). اوکسیان یا کوسیان نام باستانی

کاسیان می باشد (امستد، ۱۳۴۰، ص ۳۲۴). اوکسی ها (کاسی ها) در کوهستانهای مرزی سوشیان و پارس در زاگرس جنوبی در مجاورت حوزه شهر فهلیان بوده اند (برایان، ۱۳۷۸، ص ۹۷۷). والترهینتز می گوید مردم امپراطوری ایلام به جز کوتیان، مردمان کاسی، لرهای اولیه بودند که ساکنان استان لرستان و شمال غربی استان فارس در جنوب غربی ایران می باشند (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۷۹). از محل های سکونت کاسی ها کوهستان جنوب زاگرس شهرستان ممسنی در استان فارس می باشد (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۵۲۱). نبرد آریوبرزن با اسکندر مقدونی در سرزمین مردمان اکسیان^۱ و ایلمائیان^۲ یعنی منطقه ممسنی، بویراحمد، بهمئی و کهگیلویه امروزی اتفاق افتاده است (۲ امستد، ۱۳۴۰، ص ۴۶ و ۴۷). شهر باستانی تنگ سروک منطقه بهمئی در کوهستان جنوبی زاگرس در دوره اشکانیان از مراکز تمدن ایلمائیان (کاسیان) به اواخر سده دوم و اوایل سده سوم میلادی (حدود ۱۵۰-۲۲۵ م) تعلق دارد (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۶۰۶). استرابون می گوید نام کاسیان به منزله میراثی است از سکنه بسیار قدیم ناحیه زاگرس میانی و جنوبی و جنوب غربی ایران امروز می باشد (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۹۰). رشید یاسمی می گوید بعد از کوتی ها و لولوبی ها مردمی را که در کوههای زاگرس می شناسیم مردم کاسی هستند و آثار موجود حاکی از آن است که از جنوب کوهستان زاگرس برخاسته اند (مشکور، ۱۳۷۱، ص ۹۵). با مراجعه به منابع موجود و آثار بر جای مانده ثابت می گردد محل اصلی سکونت مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی سلسله جبال زاگرس بوده است که در زمان های معین و با افزایش قدرت خود و تصرف مناطق دیگر در مکان های دیگر هم حضور یافته اند. این شرایط جغرافیایی خاص تقریباً تمامی ابعاد زندگی این مردم را تحت تاثیر قرار داده است.

۱- نژاد شناسی مردم هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی

از زمان بسیار کهن فلات ایران میدان تاخت و تاز دو سویه بوده است زیرا به رغم دشواری هایی که امروزه رسیدن به مرزهای این کشور در بر دارد، باید به خاطر آورد که ایران پلی است میان خاور دور و سرزمین میان‌دورود (بین‌النهرین)، در نتیجه مردمانی که خاستگاه بسیار گوناگون داشتند در ایران زیر یک جغرافیای واحد پناه گرفتند. نظرات بیشماری درباره مردمی که در سپیده دم تاریخ مکتوب در ایران ساکن بوده اند مطرح گردیده است. برخی از نظرات بر شالوده زبان شناسی استوار است که رهنمودی خطرناک و غالباً گمراه کننده است. نظرات دیگر برگرفته از سیماهای فرهنگی اند و در بسیاری اوقات به تاثیراتی که مردمان گوناگون از بیرون مرزهای یک ناحیه فرهنگی برمی گیرند توجهی ندارند. تنها با استفاده از مردم شناسی جسمانی، مساله نژاد ساکنین زاگرس حل خواهد شد (کمرون، ۱۳۷۸، ص ۱۵ و ۱۶). نژاد آسیانی معرف نژادی از بشر است که نه به دسته سامی و نه به اورالتایی و نه به دسته هندواروپایی متعلق است. بعضی از دانشمندان تصریح بیشتری دارند که منشا نژاد آسیانی سرزمین ارمنستان (قفقاز) است که اورالتائیان سکنه قدیم ارمنستان و هیتیان و کوتیان و کاسیان جزء آنها هستند (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۲۹). در آغاز هزاره سوم ق.م این نژاد آسیانی در بخش آناتولی، سوریه علیا، ایران و بین‌النهرین شمالی و سلسله جبال زاگرس مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی سکونت داشتند. این مردمان که به آسیائیک معروف اند با توجه به این نظریه نمی توان سامی یا هند و اروپایی یا اورالتایی دانست، بلکه شباهت بیشتری به مردم قفقاز (ارمنستان) داشته اند و در ظاهر بومیان آسیای غربی بوده و نخستین کسانی هستند که در این حدود استقرار یافته اند (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۳۷) گریشمن می گوید هیتیان، کوتیان، کاسیان و لولوبیان جزء مردمان آسیانی نژاد در تاریخ می باشند (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۹۰). مجسمه زمان گودا فرمانروای کوتیان بر بین‌النهرین که اکنون در موزه بری مری گالری آمریکا نگهداری می شود جزء آثار کوتی است. مجسمه مردی ریشو را نشان می دهد که بینی زخیم و باریک دارد وی از حیث ظاهر به

مردمی می ماند که اکنون نیز در کوههای زاگرس زندگی می کنند. در نقش برجسته صخره شیخ خان در قسمت علیای رود دیاله نیز نمونه ای از همین مردم مجسم گشته است این تیپ میان هیتیان، کوتیان، کاسیان و لولوبیان زاگرس نیز فراوان بوده است (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵). از لحاظ انسان شناسی هیتیان، کوتیان، کاسیان و نوع لولوبیان که در سنگ نوشته های آنوبانی نی، تا اندازه ای که از تحقیقات دمورگان و هرتسفلد معلوم می شود نوع آنان بیشتر مدیترانه ای خالص نژاد آسیانی است (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۴۵۶ و ۴۵۷). هیتیان از شصت سال پیش که یک کتیبه به خط میخی در العمرنه واقع در مصر بدست آمد و با اشاراتی از تورات سفر پیدایش باب سی و ششم آیات ۲۰ تا ۳۰ شناخته شده اند (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۲۴۵). با استناد به اظهارات هرودوت، منشا هیتیان قبل از ورود به زاگرس، سرزمین ارمنستان (قفقاز) بوده است (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۵۷۶). در پایان قرن نهم و نیمه اول قرن هشتم ق.م ناحیه ای در شمال جبال زاگرس که تا دریاچه وان و تا دره ارس می رسید، ساکنان این منطقه از زاگرس هیتیان بودند که از نژاد آسیانی می باشند (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۹). همین هیتی ها هستند که نخستین بار در بخش آسیای صغیر سلسله جبال زاگرس مستقر شدند. تمدن آنها با تمدن سامی ها و هند و اروپایی ها متفاوت بود (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۳۰۳). نام لولوبیان در زبان اورارتویی «لولو» و در اکدی لولوبوم آمده است، آنان از مردمان آسیانی نژاد بودند (مشکور، ۱۳۷۱، ص ۱۱۶). کوتی در هزاره دوم و سوم ق.م به یک گروه از نژاد اطلاق می شد که در مشرق و شمال لولوبیان زندگی می کردند. آنان در هزاره سوم ق.م در کوههای زاگرس اقامت داشتند (مشکور، ۱۳۷۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷). مجسمه ای از کاسیان مربوط به هزاره دوم ق.م مجسمه مردی بلند بالا، باریک اندام با چانه ای باریک است. تیپ و هیئت این اثر تداعی نمونه های زیادی از تیپ بدنی مردمان لر امروزی است (۱ تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۶۸). بعضی محققان تصور نموده اند زمان جدا شدن ملل هند و اروپایی از یکدیگر حدود چهار هزار سال ق.م بوده است (پیرنیا، ۱۳۶۶، ص ۹). دکتر جهانگیر تاواریا می گوید هیتیان و کاسیان از نژاد هند و اروپایی بودند (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۹۹) هنری لوکاس هیتیان را از مردمان مهاجر هند و اروپایی می داند که حدود چهار هزار سال ق.م به نواحی شمال بین النهرین و آسیای صغیر و

غرب و جنوب غرب ایران از سلسله جبال زاگرس مهاجرت نموده اند (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳). د.ت.آمی انسان شناس فرانسوی تیپ انسانهای را که در زمان حاضر در کوهستانهای زاگرس زندگی می کنند همانند مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی می داند، نمونه های فراوانی از این تیپ آدمها را می توان به وضوح در میان کردها و لرهای امروزی مشاهده نمود (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶). اکنون براساس پژوهشهای محققان ثابت شده که کرد و لر نمونه مردمان زاگرس: هیتی، کوتی، لولوبی و کاسی می باشند که در روزگار کهن در سلسله جبال زاگرس ساکن بوده اند و از نژاد هند و اروپایی می باشند (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۸). دکتر کنتو پژوهنده فرانسوی می گوید: اگر بپذیریم که مادها در اواخر هزاره دوم ق.م به فلات ایران آمده اند ناچاریم قبول کنیم که پیش از آنها مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی از همان نژاد هند و اروپایی به این سرزمین مهاجرت کرده اند (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۲). در میان آثار مفرغی کاسیان مربوط به هزاره اول ق.م به مجسمه تمام قد مردی برخورد می کنیم که از لحاظ مشخصات شباهت زیادی به تیپ بدنی و قیافه مردم امروزی لر دارد. بر روی سپرهایی که از معبد کاسیان پیدا شده سر انسانهایی نقش شده است که دارای بینی برجسته بزرگ و کشیده و گونه های برآمده و لبهای باریک است که اینها نیز شباهت زیادی به قیافه مردمان لر امروزی دارند و به احتمال زیاد مردمان لر امروزی را باید بازمانده مردمان کاسی دانست (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸). والتر هینتز^۱ می گوید کاسی ها، یعنی ساکنان استان لرستان و شمال غربی استان فارس در جنوب غربی ایران مردم لر اولیه بوده اند (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۷۹). مطالب استرابون قدیمی ترین منبعی است که در مورد کاسی ها نقل می کند، طبق آن کاسی ها در همسایگی آماردها یعنی قبیله ای از مردمان پارس می باشند (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۸۵۷). الواح بدست آمده از مناطق شمالی تر زاگرس جزو منابعی به شمار می روند که گواه حضور هیتیانی ها در قوس مرکزی هلال خضیب (حاصلخیز) از سلسله جبال زاگرس است (بهزادی، ۱۳۸۴، ص ۳۵). در هزاره سوم ق.م مردمان هیتی، کوتی و لولوبی در ناحیه

کرکوک کنونی (آرپخای باستانی) می زیسته اند. برخی می گویند مردم کوتی، لولوبی و کاسی تا هزاره اول ق.م و ویژگی های هیتیان را واجد بوده اند (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۹۹).

۲- دین و آئین مردم هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی

مصنوعات مکشوف هیتیان و کاسیان که به خدایان اساطیری مربوط است و به صورت نقوش آدمیان و ددان (بزان، پلنگان، شیران، گاوان نر، گریفون که تن شیر وبال و سر شاهین و گوش اسب و تاجی چون ماهی و... دارند) هستند که به وضع شگرفی تلفیق گشته اند (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷). داوری درباره دین مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی در هزاره اول ق.م از روی متون آشوری و تصاویر و نام های خاص است. در مورد شکل خدایان مزبور تا حدی از روی مفرغهای کاسیان و تصاویر منقور بر مصنوعات مکشوفه زیویه و هیتیان می توان قضاوت کرد که دین مردم هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی پرستش تصاویر ایزدان نیمه دد و نیمه آدمی و حیوانات عجیب و تخیلی که بدن شیر و سر عقاب یا شاهین داشته است (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۳۴۲).

مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی کوهستان زاگرس یک ایزد بانوی مادر زمین را به منزله خدایان اصلیشان داشته اند که در سیمای موجودی ماده معرفی می شد، سپس در پنج هزار سال ق.م آنان خورشید را ایزد خود دانستند (سویشر، ۱۳۸۳، ص ۲۲). در پنج هزار سال ق.م شرایط کشاورزی اولیه تصورات دینی پدید آورد. هنگامی که مردم کوهستان زاگرس مشاهده کردند که جانوران ماده و زنان زاد و ولد می کنند و زمین محصول می دهد تصور کردند که بایستی میانشان ارتباطی وجود داشته باشد از این مشاهدات و تصورات، اعتقاد به ایزد بانوی مادر زمین در میان کوه نشینان زاگرس پدید آمد که با نیروی باروری انسان و حیوان ارتباط داشت که مانند زمین حیات تازه ای می آفریند پس زنان نیز موقعیت اجتماعی والایی کسب کردند (برایان، ۱۳۷۸، ص ۱۹). در سرزمین هیتیان خدایان مختلف مورد پرستش بودند. خدایان اصلی در میان هیتیان نشورب، رب النوع رعد و همسر اوپا و رب النوع خورشید می باشند (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۱۶۶). ما می توانیم تشخیص دهیم که پاره ای از ایزدان کاسی از گونه ایزدان قفقازی (ارمنستان) می باشد (کمرن، ۱۳۷۸، ص ۶۹). خدای بومی کاسیان،

کاشو نام داشت که بدون شکل موجب تسمیه نام مردم کاسی است آنچنانکه در میان مردمان آسیانی شناخته شده گردیده است (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۵۵). خدای خورشید-کاسیان ساخ یا شورپاش نامیده می‌شد (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹). خدای دیگر کاسیان ماروتاش بود. راجع به آیین کوتیان اسناد مهمی در دست نیست البته یکی از فرمانروایان کوتی به نام لاسیراب سنگ نوشته ای به یادگار گذاشته که در آن از خدای کوتیوم و ایشتاروسین و دیگر خدایان بابلی درخواست کرده که آن سنگ نوشته را از گزند نگهداری کند و این را می‌رساند که آنان خدایان بابلی را می‌پرستیده اند. از پرستشگاههای کهن کوتیان در زاگرس می‌توان به کرفتو اشاره کرد که در سرزمین هوباتو میان دیواندره و سقز است و تاکنون عده ای از جهانگردان از جمله: رولن سن و دکتر ریچ و کرپورتور به دیدن این پرستشگاه رفته اند و مطالبی درباره آن نوشته اند و در سال ۱۸۱۸م راولینسون این پرستشگاه را دیده که در آنجا چند راهرو و چند اتاق وجود دارد که در دل کوه تراشیده شده است (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۷ و ۴۸). منشاء مذهب هیتیان هم کوهستان شمالی یعنی زادگاهشان ارمنستان است (رو، ۱۳۸۱، ص ۲۴۵). کیش سرزمین های غربی ماد قدیم، بیشتر با دین هیتیانی از یک نوع بوده است، به ویژه تصاویر موجودات عجیب الخلقه نیمه دال و نیمه انسان و حیوانات شگفت انگیز تخیلی، که در اساطیر هیتیانی بسیار رایج بوده است از ویژگی های کیش آنان به شمار می رود. از مشهورترین پرستشگاههای ایزد آب و هوا در نواحی توروس و دشت شمال سوریه از سلسله جبال زاگرس قرار داشتند و در سراسر این ناحیه مراسم های عبادی برگزار می گردید (بهزادی، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

کاسیان هنگام دفن مردگان در گورستانهایشان مجسمه کوچک فلزی قرار می دادند (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۵۷). مفرغهای کاسیان زینت آلات زنانه مانند گردن بند، دست بند، گوشواره، النگو، سینه بند، آویزه ها، حلقه ها، زنگوله یا سنجاق مو به شکل انواع حیوانات و پرندگان مانند طاووس، کبک، سار، بزکوهی، پلنگ، گاو و... بوده است (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۶۰). از اسناد و شواهد تاریخی هنری چنین برمی آید، کاسیان همانند مردم لر امروزی در مراسم تدفین مردگان خود به گریه و زاری پرداخته و زنان موهای خود را می‌کنده اند این آیین کاسیان را می‌توان از مشاهده یکی از مجسمه های

کوچک فلزی که از قبور کاسیان پیدا شده است معلوم داشت و احتمالاً زنانی بوده اند که آنها در روز عزاداری و مراسم تدفین در غم مرده مرثیه سرایی می کرده اند. گریشمن در این مورد می‌نویسد: «دو مجسمه برنزی کوچک در میان این اشیاء وجود دارد که دو زن کاسی در حال گریه و زاری و کندن موهای خود را نشان می دهد این آداب تا امروز در میان مردمان لر به خصوص زنان مرسوم می باشد(سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۳ و ۲۰۴). بررسی و مطالعه برخی از اشیاء هنری کاسیان نشان می دهد که به احتمال آثاری از افکار و عقاید مربوط به آیین توتم پرستی در میان سازندگان این اشیاء رواج داشته است. احتمال می رود برخی از حیوانات از جمله خروس در فرهنگ کاسیان از تقدس برخوردار بوده است این موضوع را می توان از مشاهده یکی از مجسمه های فلزی مکشوف در قبرهای کاسیان دریافت این شی فلزی را اغلب دانشمندان ایزد سروش یا خدای عدالت و داوری نامیده اند در اطراف کمر این شیء سر دو پرند شبیه خروس قرار دارد که گفته شده خروس از مظاهر این ایزد بوده است و نقش و وظیفه عبادی و دینی داشته است یکی از وظایف خروس این است که با صدای خود پرستندگان را بیدار کند تا به ادای تشریفات دینی پردازند(سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۰). از خدایان کاسی شیپگ، حرب و شوملی می باشند(مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸). از مجسمه های کوچک فلزی کاسیان ما آگاه می شویم که قربانی گوسفند برای خدایان در میان کاسیان معمول بوده است زیرا این مجسمه برنزی کوچک گوسفندی را در بغل گرفته و برای قربانی می برد(تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۵۷). الهه مادر ملل آسیانی بوده که از آسیای صغیر تا شوش مورد پرستش بوده است، احتمالاً این الهه کهن که مظهر آبادانی و باروری بوده در این زمان به صورت الهه اشی خواهر خدای سروش درآمد و این همان الهه‌ای است که در قبرهای کاسیان دیده شده است(سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰). در میان بعضی از مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی زن فرمانده سپاه بود از جمله در میان مردم کوتی که کوه نشینان دره کردستان در زاگرس بودند(گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۳۱). کوتیان در سال ۲۲۳۴ ق.م در بین النهرین فرمانروایی می کردند و بر شهر نیپور شهر مقدس و مذهبی سومریان تسلط پیدا کردند و مردم را در امور مذهبی خود آزاد گذاشتند(صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۸۰).

مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی اشتراکات دینی بسیاری باهم داشته اند و از لحاظ مذهبی مثل دیگر جوانب فرهنگی از هم متأثر بوده اند.

۳- کارهای فرهنگی کاسی ها، کوتی ها و هیتی ها در زمان حکومت بر بین النهرین

در دوران حاکمیت کاسیان بر بابل خدایان محلی کاسیان مانند اریبا، شیمیلیا و تیشیک همراه با خدایان بومی بین النهرین پرستش می شدند (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۹۵). کاسیان بعد از تصرف بابل هم، بیشتر اصول تمدن خود را حفظ نمودند و موسس سلسله کاسی در بابل گاندش معبد مردوک را تعمیر و ترمیم کرد و مجسمه مردوک را که به غارت برده شده بود بازگرداند (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۱۸۷ و ۱۸۸). فرمانروایان کاسی در بابل در قلمروشان به بازسازی و پیرایش معابد کهن و مشهور پرداختند. کوریگای دوم فرمانروای کاسی در حدود ۱۳۴۵-۱۳۲۴ ق.م شهری جدید و مهم بنا نهاد که اکنون به نام عقرکوف مشهور است (سویشر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۰). در دوران حاکمیت کاسیان بر بین النهرین نظام ساده گاه شماری جایگزین نظام قدیم گاه شماری شد و همچنین اندازه گیری مزارع را ایجاد نمودند (امستد، ۱۳۴۰، ص ۲۶۱). نظام اندازه گیری زمین و نوشتن لوح معتبر پس از رضایت طرفین و سندسازی نشان دهنده نظام اداری در بابل می باشد که نخستین بار در زمان حاکمیت کاسیان بر بین النهرین شکل گرفت و در دوران نظام بابل قدیم وجود نداشت که این رسوم از شرق در جنوب کوههای زاگرس وارد بین النهرین شده است. نامه ها در دوران حکومت کاسیان بر بین النهرین رسمی تر و تشریفاتی تر شده است (مشکور، ۱۳۷۱، ص ۴۷ و ۴۶). در دوران حاکمیت کاسیان بر بین النهرین علم پزشکی رشد نمود و بیمارستان های جدید تاسیس گردید و داروهای که خاستگاه گیاهی داشتند تجویز می شد. عصر حکومت کاسیان بر بابل دوران گردآوری و تنظیم میراث ادبی بابل قدیم می باشد. ادبا و نویسندگان اقدام به نوشتن حماسه مانند حماسه مربوط به جنگهای میان توکولتی نینورتای اول پادشاه آشور و کشتیلشن چهارم فرمانروای کاسی بابل در نیمه دوم قرن سیزدهم ق.م تالیف شده است. در این دوره گردآوری مکاتبات گوناگون ادبی، بازنگری و نگارش دگر بار محتوای آنها، تنظیم

آنها در سلسله الواح شماره گذاری شده انجام شد. کاتبان نسخ تازه‌ای از پزشکی قدیم را بازنویسی کردند. قانون حمورابی هنوز در مدارس بابل بود و تاثیر شیوه نگارش آن بر قراردادها مشهود بود (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۴۸، ۴۹ و ۵۰). معماری در بابل از زمان فرمانروایی کاسی کارن دش با تمام وابستگیهای سنتی که داشت شکل جدیدی پیدا کرد که فقط نتیجه وجود کاسیان بود. فرمانروایان کاسی بابل از تبلیغ جنگ و افسانه سازی های پهلوانان خود داری می کردند و این امر نشانه برتری فرهنگ آنان نسبت به فرمانروایان قبلی و بعدی در بابل است (رواسانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۷). کاسی‌ها هنگام حضور در بین‌النهرین، نظم و صلح و وحدت را در سرزمین برقرار کردند که بر اثر پنج قرن جنگ ویران شده بود، سنن بین‌النهرین را حفظ کردند و مانند پادشاهان خوب و معقول بین‌النهرین به حکومت پرداختند (بهزادی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶ و ۲۲۷). در صد سال حکومت فرمانروایان کوتی در سرزمین بین‌النهرین نیز میان فرهنگ بین‌النهرین و فرهنگ کوتیان اختلاط و تبادل پیش آمد (رواسانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۷). هیتیان فاتح بین‌النهرین توانستند سنت های خود را تا حد زیادی از هرگونه تاثیرپذیری از سامیان بین‌النهرین دور نگه دارند، بلکه از جنبه‌های بسیار در فرهنگ و هنر بین‌النهرین تاثیر گذاشته‌اند به گونه‌ای که حضور آنها دست کم از پایان هزاره ق.م در سراسر بین‌النهرین احساس می شد. نشانه‌های قدرت هیتی‌ها، نهادهای هیتی و هنر آنان از دوران پیش از عصر تاریکی بین‌النهرین و مقدار زیادی پس از آن در دره‌های زاگرس، ارمنستان و آشور مشهود است. تاثیر هیتی‌ها در تمدن بین‌النهرین آشوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (نیکولسکی، ۱۳۵۰، ص ۶۸). تمام این توضیحات نشان دهنده پذیرش و تبادل فرهنگی مردمان زاگرس با بین‌النهرین بوده است و اینکه این مردمان هرچا با فرهنگی غنی برخورد کرده‌اند آن را پذیرفته‌اند و به پیشرفت آن نیز یاری رسانده‌اند.

۴- هنر، معماری و صنایع دستی مردم هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی

هنر برجسته‌نگاری و تصاویر بر صخره‌های منقور مسلماً از سنن دیرین کوتیان و لولوبیان ریشه می گیرد (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷). برخی آثار باستانی که در کرکوک کنونی به دست آمده آگاهی‌های بسنده‌ای از لولوبیان می‌دهد. دو سنگ نوشته باستانی که

پروفسور راسموسن^۱ پیدا کرده یکی از آنها در دریندگاو بدست آمده و در زمان نارام سین (۲۷۱۱-۲۶۸۸ ق.م) فرمانروای اکد نوشته شده و دومی در سرپل ذهاب کشف شده و مربوط به آنوبانی‌نی فرمانروای لولوبی در بیست و سه قرن ق.م است (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۸۹). در لوح نارام‌سین لولوبیان لباس سبک و یا دامن بر تن دارند و پوست ابلقی بر شانه افکنده اند و این خود در هزاره ق.م لباس مردم ماننا و ماد غربی، هیتیان، کوتیان و کاسیان بوده است (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). نقش برجسته سرپل-ذهاب آنوبانی‌نی فرمانروای لولوبی را نشان می دهد با ریشی طویل و مربع شکل با کلاهی مدور و جامه‌ای کوتاه، مسلح به کمانی و تبر، او پای خود را بر روی دشمنش گذاشته است (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۴۱). کتیبه‌ای مربوط به کاسیان هم در پنج خط روی قبای مجسمه‌ای در زیر منگوله های کمر او کنده شده که آن را دکتر ژرژ کنتو ترجمه کرده است (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۴). لباس کاسیان عبارت بوده است از یک قبای کوتاه که تا بالای زانو می آمد و در زیر آن پیراهنی بلند می پوشیدند که لبه پایین آن منگوله^۲ داشته و لباده بلندی که از طرفین چاک داشته و قسمت پایین آن گشادتر بوده و بر روی لباس قرار می گرفته و کلاه کوتاه نمدی زرد یا شیری رنگی بر سر می گذاشتند (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶ و ۲۱۷). لباس دیگر کاسیان عبارت است از لباده‌ای که از جنس نمد است. آستینهای لباده بلند و از اطراف آویزان است این لباس کاسیان امروز مخصوص شبانان و گله چرانان لر است (سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۰). محصولات سفالین زاگرس بر آنچه در دوره های سومر و اکد در بین النهرین ساخته می شد برتری داشت. فلز کاری هیتیانی در ضمن ذوب کردن سنگهای معدنی، مفرغ را کشف کردند و از مس به ساختن اشیا مفرغی پرداختند و شکل ابزار مسی سابق را کامل تر و بهتر ساختند و سپس همین فلزکاران برای اولین بار آهن را ذوب نمودند و مورد استفاده قرار دادند (لینتون، ۱۳۳۷، ص ۲۹۸ و ۲۹۹). منشا ظروف سفالین باید در مغرب بخش سوریه یا آسیای صغیر سلسله جبال زاگرس از مردم هیتی باشد که وارد سکونت گاه کاسیان شد

در بعضی قسمت های زاگرس سه پایه بیشتر متداول بود، و استعمال آن در آنجا ادامه یافت مخصوصاً در لرستان که از مقابر آن توام با اشیا مفرغی که تاریخ آنها به هزاره اول ق.م می‌رسد مقداری ظروف از نوع مذکور به دست آمده است (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۶۰). سفال خاکستری مرغوب با تزئینات کنده و نقطه‌چین از جمله شکل‌های هندسی و دایره‌های هم مرکز با ماده‌ای سفیدرنگ پرشده‌اند که در تل‌میلان شهرستان ممسنی یافت می‌شود (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۲۷۴). سفالینه‌هایی که از هیتیان در بعضی نقاط بدست آمده نشان از هنر مخصوص هیتیان دارد زیرا سفالینه‌ها صفات مخصوص به خود دارند. سفالینه‌ها و ظروف هیتیان که ظریف و با گل و پرندگان و طرح‌های هندسی به رنگ‌های زرد نخودی بر روی زمینه خاکستری تیره نقاشی شده‌اند، با سفالینه‌های ساده بین‌النهرین آن دوران تضاد دارند و بی‌تردید معرف سطح خاصی از زمین-اند (امستد، ۱۳۴۰، ص ۲۴۵). بعد از سال ۱۶۰۰ ق.م سفالینه‌های هیتیانی جانشین سفالینه‌های زمخت دره خابور شدند (رو، ۱۳۶۹، ص ۲۱۲). شهرهای باستانی تل-موشکی، تل‌باکون، تل‌میلان در ارتفاعات شمال غربی استان فارس مربوط به مردمان کاسی می‌باشد. تل‌باکون در نزدیکی روستای لپویی در شهرستان ممسنی استان فارس قرار دارد (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۹۱). تل قیصر در دره رامهرمز بین خوزستان و فارس نیز مربوط به مردم کاسی در هزاره ق.م می‌باشد (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). دو شهر کوچک به نام‌های تل‌کوره و تل‌قریب در هزاره سوم ق.م در شهرستان ممسنی در ارتفاعات جنوبی زاگرس مربوط به مردم کاسی می‌باشد. سفال‌های منقوش و ملونی از آن مراکز بدست آمده است (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). شهر باستانی تل‌میلان در شهرستان ممسنی در ارتفاعات جنوبی زاگرس مربوط به ۵۵۰۰ تا ۴۸۰۰ سال ق.م می‌باشد این مکان را هیئتی از دانشگاه پنسیلوانیا بررسی کرد (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸ و ۱۲۹). مردم کاسی در ممسنی در مرحله تاریخی بانس میانه شهر کوچکی با مقامات اداری و صنعتگران نیمه‌وقت ساکن در آن بودند که بسیاری دامدار یا کشاورز بوده‌اند (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰). شهر باستانی کورانگون در ۸ کیلومتری شمال غربی فهلیان شهرستان ممسنی که دارای قایم‌های خدایان و مربوط به هزاره سوم ق.م مردم کاسی است. تنگ سروک منطقه بهمنی با آثاری از این دوره ها در کوهستان های زاگرس

جنوبی قرار دارد (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۵۴۵). با افزایش اطلاعات باستان‌شناسی روز به روز بیشتر معلوم می‌گردد که بخش آسیای صغیر سلسله کوه‌های زاگرس، مرکز مهمی برای نشو و نمای تمدن بوده است. اغلب عناصر تمدنی تازه‌تری که از عصر نوسنگی به بعد در اروپای مرکزی انتشار یافته از این نقاط سرچشمه گرفته است حتی رفته رفته بیشتر ثابت می‌شود که بخش آسیای صغیر سلسله کوه‌های زاگرس قبل از آنکه وسیله و مجرائی برای انتقال عناصر تمدن‌های متمدنی ناحیه جنوبی‌تر به مغرب زمین باشد، خود منشأ بروز افکار و اختراعات اصیل بوده است (لینتون، ۱۳۳۷، ص ۲۹۸). آثار باستانی پیدا شده در جبال زاگرس بسیار قدیمی‌تر از آثار باستانی پیدا شده در مرکز و جنوب بین‌النهرین است (رواسانی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۹). مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی با داشتن ویژگی‌های مشترک برای مدت زمان طولانی کنترل منطقه زاگرس را از شمال تا جنوب آن بدست داشته‌اند و روابط فرهنگی و سیاسی با یکدیگر برقرار ساختند. و از شواهدی که باستان‌شناسان و مورخین گردآوری کرده‌اند معلوم شده است که آنها مدت زیادی هم بر بین‌النهرین حکومت کرده‌اند و بر آن تأثیرات فرهنگی و سیاسی گذاشته‌اند. هر یک از مردمان کوتی، لولوبی و کاسی هم به سهم خود تأثیرات روشنی بر دیگر مردمان آن دوران گذاشته‌اند و فرهنگ و افکار آنها را با آثار به جای مانده در زاگرس و سرزمین‌های مفتوحه توسط ایشان قابل رویت است.

سیاست

۱- اتحادهای سیاسی هیتیان، کوتیان، کاسیان و لولوبیان و درگیری‌های نظامی

هر کدام با بین‌النهرین

کوهنشینان زاگرس از آن دوردست‌ها جلگه حاصلخیز را سرشار از فعالیت می‌دیدند و هنگامی که قدرت زیادی به دست آوردند، آنان به سرزمین ثروتمندی که پیش رویشان قرار داشت سرازیر گردیدند کوهنشینان زاگرس مدتی بر این سرزمین چیرگی یافتند (کمرن، ۱۳۷۸، ص ۳۴). از میان آنان کوتیان به فکر تسلط بر میان دو رود بودند، شرکلیستری پادشاه بابل کوشید تا جلوی کوتیان را بگیرد اما کوشش‌های او سودی نبخشید و کوتیان مدتی بر بین‌النهرین (بابل) مسلط شدند (کمرن، ۱۳۷۸، ص ۳۵).

کاسیان هم در سال ۱۷۴۹ ق.م سرزمین بابل را زیر فرمانروایی دودمان خویش درآوردند. نخستین فرمانروای کاسی گاندش نام داشت که شانزده سال پادشاهی کرد و در کتیبه-ای نیمه ادیبانه خود را شاه نواحی چهارگانه جهان، شاه سومر و اکد و شاه بابل می خواند. اگوم کریمه فرمانروای دیگر کاسی که گذشته از القاب رسمی خود را شاه کاشو، شاه اکد و شاه سرزمین پهناور بابل و خود را فرمانروای پادان و المان نیز خوانده است (کمرن، ۱۳۷۸، ص ۷۲ و ۷۳). نوکدنصر پادشاه بابل مدعی است که لولوبیان قدرتمند را شکست داد و کاسی‌ها را غارت کرد. از لشکرکشی وی به سرزمین لولوبی جز هنگامی که به عیلام شتافت چیزی نمی دانیم و احتمالاً به سربازان لولوبی که در سپاه عیلام حضور داشتند اشاره می کند، به شکست کاسیها نیز احتمالاً تنها اشاره‌ای رفته است پس ادعای پادشاه بابل در مورد شکست لولوبیان و غارت کاسیها ادعای بیش نیست و واقعیت ندارد (کمرن، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲). کوتیان در قرن ۲۳ ق.م در زمان سلطنت نارام سین پادشاه اکد که در آن زمان سراسر بین النهرین تا کوهپایه‌های زاگرس را زیر فرمان داشت در صحنه تاریخ پدید آمدند. طبق روایات اکدی نارام سین در اواخر سلطنت خویش ناگزیر با کوتیان جنگید و در ضمن پیکار با آنان از پای درآمد. یاکوبسون سومرشناس دانمارکی حدس می زند که اندیرا پیشوای کوتیان پس از غلبه بر نارام سین اکدی توانست در اعماق ناحیه جنوبی دورود نفوذ کند و نیپور شهر مقدس سومریان را متصرف شود. در پیروزی کوتیان بر اکد و تصرف شهر مقدس نیپور آنان توانسته بودند اتحاد مهمی از قبایل (لولوبی- کاسی- هیتی) پدید آورند، که این امر اتحاد این مردمان را با یکدیگر در مواقع ضروری نشان می دهد (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴). و در صورت بروز اتحاد احتیاج آنی، اتحادهای میان قبایل خویشاوند منعقد می گشت و همین که آن احتیاج رفع می گشت آن اتحاد هم لغو می شد (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷). اوضاع سیاسی زاگرس بلاشک مبتنی بر دسته بندی خانواده و شورای ریش سفیدان بود و اوضاع ایران در آن زمان به توسعه مراکز می که دور از یکدیگر بودند منجر شد و در نتیجه مشاجراتی که شاید میان مردم کاسی، کوتی، هیتی و لولوبی می شد که آنها از آن مصون و برکنار ماندند (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۳۱). از نظر یک منشی بابلی که در این عهد می-زیست عالم تمدن به دامنه‌های زاگرس خاتمه می یافت. هر زمان که کشور بابل تحت

سلطنت سلسله‌ای جدید و قوی بود، فشار دشت بین‌النهرین بر سکنه جبال شدید می‌شد. انحطاط بابل از سویی دیگر به منزله شیپور جمعی بود برای اقوام ساکن تپه‌ها که آنها را به پایین فرا می‌خواند، تا این دشت غنی را تصاحب کنند و حتی گاهی آن را در مدتی کمابیش طویل در اختیار داشته باشند (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۳۹). یک دسته از هندوایرانی‌ها از قفقاز عبور نمودند و تا انحنای عظیم شط فرات پیش رانند آنان با هیتیان که بومی آنجا بودند ممزوج شدند و پادشاهی میتانی را تشکیل دادند (گریشمن، ۱۳۸۴، ص ۵۰). از عوامل یورش کاسی‌ها به بین‌النهرین در حدود سال ۱۷۵۰ ق.م فشار اقوام هندواروپایی بود (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷). کاسی‌ها که در دامنه‌های زاگرس به سر می‌بردند

همیشه به فکر تصرف بین‌النهرین بودند و از نیمه قرن بیستم تا نیمه قرن هیجدهم ق.م یعنی در طول مدت دو قرن از راه مسالمت وسایل این کار را فراهم ساختند، در این مدت کاسی‌ها با مردم مغلوب بین‌النهرین در آمیخته و حدود شش قرن بر بابل حکومت کردند (بهمنش، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶). کاسی‌ها با عزمی راسخ اشکال موجود الگوهای رفتاری، شخصی، اداری و مذهبی را پذیرفتند و حتی پا را فراتر نهادند و دست‌کم در محیط دربار و کاخ‌ها به گونه‌ای محافظه کارانه به سنت‌های کهنتر کاسی روی آوردند (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۶۹). در هزاره سوم ق.م سپاهیان سارگن مناطق شمال بین‌النهرین را در نور دیده بودند اما در نقاط شمالی‌تر مردمی که بعدها نقش مهمی در تاریخ بین‌النهرین بازی کردند یعنی هیتی‌ها نیمه هلال بزرگ کوه‌های زاگرس را در تصرف داشتند و همسایگان شرقی آنها لولوبی‌ها به جلگه شهر زور در نزدیکی سلیمانیه نفوذ کرده بودند. لولوبی‌ها در جنوب و اطراف همدان و کوتی‌ها در منطقه زاگرس مرکزی ساکن بودند (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱). در هزاره سوم ق.م امپراطوری اکد از شرق مورد هجوم کوتیها قرار گرفت و سرانجام ضربه نهایی را بر پیکر بی‌رمق امپراطوری اکد وارد آوردند. سراسر بین‌النهرین به دست کوتیها افتاد و آنها در مجموع با ۲۱ یا ۲۰ فرمانروا به مدت ۱۲۵ سال بر بین‌النهرین فرمان راندند ولی شکی نیست که سلطه آنها بر آنجا هرگز فراگیر و دائمی نبوده است زیرا در فهرست زمامداران اسامی سلسله‌های آمده است که همزمان به کوتیها و پیش از بیرون راندن آنها بر بخش‌هایی از آن سرزمین فرمان می‌

راندند(مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷ و ۱۱۰). اتوخل^۱ پادشاه اوروک از سلسله لاگاش بابل، کوتیان را شکست داد و حکومت آنان را سرنگون ساخت(مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). در هزاره سوم ق.م کاسی ها به هنگام سقوط سلسله اکد همپیمان کوتی ها بودند(مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶). اقوام هیتی، کوتی و لولوبی روابط خصمانه ای با اکدی- هاداشند آنها اکدی ها را از دسترسی به منابع سنتی قلع و نقره محروم ساخته بودند(رو، ۱۳۶۹، ص ۱۴۴). فرمانروایی هیتیان در دوره اکدیها در دجله و فرات علیا تاسیس شد. بین النهرین در طول تاریخ بسیار طولانی خود چندین بار مورد هجوم قرار گرفت. هیتیان، کوتیان و کاسیان در دجله و فرات یک فرهنگ قوی یافتند و آن را پذیرفتند(رو، ۱۳۶۹، ص ۴۰۲). در هزاره دوم ق.م حکومت قدرتمند هیتیان به نام میتانی به مرکزیت واشوکانی بر آشور و سرزمین های شمال بین النهرین کوههای شمال زاگرس مسلط بودند. هیتیان برای قلمرو و منافع بابل خطری بالقوه محسوب می شدند(ناردو، ۱۳۸۵، ص ۴۴). تصرف بابل توسط کاسیان همراه با کشتار مردم بابل و وحشت و خشونت نظامی نبوده است. کاسیان در طول ۱۵۰ سال به عنوان مردمان صنعتگر و کشاورز قدم به سرزمین بابل گذاشتند و سرانجام که نفوذ اقتصادی پیدا کردند و با مردم بابل انس و الفت گرفتند در هرم قدرت بابل جای گرفتند و همانند فرمانروایان دلسوز بابل به اداره کشور پرداختند(سهرابی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۶ و ۱۳۷). بنا به اسناد تاریخی کوتی ها، لولوبی ها و هیتی ها در هزاره سوم ق.م سرزمین سومر و اکد را تصرف کردند و حکومت مستقلی تشکیل دادند و پس از آن در کوهستانهای زاگرس تا امتداد شمال سوریه و سرزمین های آشور و بابل و سومر امپراطوری بزرگی پدید آوردند(صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۸ و ۳۹). کوتی ها که دودمان شاهی اکد را در بین النهرین برانداختند سرانجام به ارتفاع زاموای کوههای زاگرس در شهر زور برگشتند(صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۷). لولوبی ها دولت مقتدری تشکیل دادند. نارام سین پادشاه اکدی(۲۷۱۱-۲۶۸۸ ق.م) برای اولین بار نام آنان را در سنگ نوشته اش ضمن شرح پیروزی خود ذکر کرده است. لولوبی ها در نیمه هزاره سوم ق.م دارای دولتی قوی بودند،

دولت مذکور را بزرگان هیتیان به کمک نیروهای مسلح قبایل لولوبی به وجود آوردند (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۸ و ۴۹). آمی زادوگا^۱ (۱۹۷۷-۱۹۵۶ ق.م) پادشاه مقتدر بابل برای جلوگیری از گسترش دامنه تهاجمات کاسی‌ها با ایلام متحد شد. در زمان حکومت سامسوایلونا (۱۹۶۵-۱۹۲۳ ق.م) پادشاه بابل، کاسی‌ها به بابل یورش بردند ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند پس از دویست سال به کمک کوتی‌ها و لولوبی‌ها به فرماندهی گانداش (۱۷۳۴-۱۷۱۸ ق.م) در سال ۱۷۳۴ ق.م به بابل تاختند و آنجا را تصرف کردند و حکومتی تشکیل دادند که بیش از پانصد سال بر بین‌النهرین فرمانروایی کردند. کاسیان حکومت سومریان را منقرض نمودند. یکی از فرمانروایان کاسی به نام اولام بوریاش^۲ (۱۶۹۳-۱۶۸۰ ق.م) با ایگامیل^۳ فرمانروای سومر جنگید و او را شکست داد و کشورش را تصرف نمود و در سال ۱۷۱۰ ق.م دولت سومر منقرض گردید. چند سال بعد یکی از فرمانروایان کاسی به نام آگوم^۴ سوم (۱۶۸۰-۱۶۳۲ ق.م) آخرین دژ سومری را گشود و پس از این پیروزی نام کاردویناش را برای دو کشور سومر و اکد به کار برد و با این نام کاسیان بر بین‌النهرین حکومت کردند.

۲- نظامی گری در میان مردم زاگرس

بخشی از ساکنین سرزمین اوراطو در آسیای صغیر هیتی بوده‌اند و هیتیان آنجا همراه با هیتیان منطقه دریاچه ارومیه از نظر نظامی جنگجویانی بی‌باک و سرسخت بودند و ارتش آنها از تجهیزات کامل برخوردار بوده است (کمرون، ۱۳۷۸، ص ۱۹۳). قدرت استبداد شاهی در مشرق حاصل وحدت عالییه جماعات می‌باشد ولی در سرزمین ماد که شامل مردمان ماد، هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی می‌شد هنوز چنین وحدتی ایجاد نشده بود و با جماعات روستایی و حتی عشیرتی کوچک و متفرق سروکار داریم یا با جماعات نواحی بزرگتری که گروهی از جماعات منفرد را در بر گرفته بوده اند (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۵۰۳ و ۵۰۴).

1. Amizadoga
2. Ulam buryash
3. Igamil
4. Agom

اصطلاح یانزی به معنی پیشوا هم میان هیتیان و کاسیان شیوع داشته و هم نزد کوتیان متداول بوده است (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵). اصطلاح کاره هم به معنی خلق (مردم) و هم به معنی لشکر است. ظاهراً سپاهیان از داوطلبان مردمان هیتی، کوتی، کاسی، لولوبی و مادی بودند. به گفته هردوت در قرن هفتم ق.م تقسیم بندی ارتش ماد از روی وابستگی قبیله‌ای بود نه نوع سلاح. در جامعه مردمان هیتی، کوتی، کاسی، ماد و لولوبی هر فرد آزادی که قادر به حمل سلاح بود سپاهی شمرده می شد. مردم مذکور به رغم تفرقه ظاهری و تقسیم به کشورهای کوچک متحد بودند. در جامعه اتحادیه مردمان هیتی، کوتی، ماد، کاسی و لولوبی توده‌های آزاد مردم، مسلوب‌الحق^۱ نبودند. رئیس هر خانواده‌ای عضو مجلس مردمی بود و هنوز سازمان آنان تا حدی از آزادی بهره داشت و اعضای آن متفق بودند و دیده گان بردگان و کشاورزان ستم کشیده و استعمار شده آشور متوجه آنان بود (امستد، ۱۳۴۰، ص ۱۸۳ و ۱۸۴). در قرن هفتم ق.م ارتش کیاکسار (هوخستره) مادی توسط عده‌ای از سپاهیان غیر مادی مردمان کوتی، هیتی، کاسی و لولوبی تقویت شده بود، ارتش تشکیل شده از افراد آزاد بود. جامعه‌ای که هنوز بردگی در آن شیوع نداشت و ربا خواری هم رواج نداشت (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ص ۲۷۳). مهارت کاسی‌ها در تیراندازی آوازه داشت و به گفته استرابون، کاسی‌ها مانند کوهنشینان مجاورشان اکثراً کماندار و در جستجوی آذوقه‌شان همواره در گشت و گذارند. آنها بنا به ضرورت مردم نیرومندی هستند زیرا همگی جنگجویند (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۵۷۵). پادشاهان کاسی اعضای یک خانواده اشرافی و نظامی بودند و استیلای طولانی آنان بر بابل نشان می دهد که آنان فرمانروایانی با کفایت و محبوب بودند (بهزادی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸ و ۲۳۰).

۳- سرانجام اقوام ساکن در زاگرس

پس از چندین قرن قوم کاسی فرّ و شکوه پیشین خود را از دست دادند و به میهن اصلی خود کوه‌های زاگرس بازگشتند و نام کاسیان کم کم رو به فراموشی گذاشت و بعدها به

۱. نداشتن هیچگونه اراده‌ای از خود

نام لر معروف شدند. نام کاسی برای اولین بار در سالنامه‌های بابلی در عصر ساسانی (۱۹۶۰-۱۹۲۲ ق.م) ذکر شده است. کاسی‌ها پس از انقراض حکومتشان در سال ۱۱۷۱ ق.م که توسط کوتیرناخونته ایلامی صورت گرفت به زاگرس بازگشتند و مانند گذشته به کار دامداری و کشاورزی پرداختند (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۵۱ و ۵۰). کاسیان در زاگرس حکومت خود را به سمت شمال و شرق گسترش دادند که شامل ناحیه همدان هم می شد. مردمان کاسی در مناطق لرنشین کنونی (لرستان، کهگیلویه و بویر احمد و بخش‌هایی از استان فارس) سکونت داشتند. آنها مدت‌ها استقلال نسبی خود را حفظ کردند زیرا هخامنشیان به هنگام گذر از سرزمین آنان در شمال غربی فارس و کهگیلویه و بویراحمد مجبور به پرداخت باج به آنان بودند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۴، ص ۲۹ و ۳۰). هردوت در شرح نبرد دوریسکاس فهرستی از مردمی به نام اوکسیها (کاسی‌ها) را می آورد که در میان مردمی که در سپاه خشایارشا می جنگیدند بودند و سومین قوم پس از پارس‌ها و مادها بودند. کاسی‌ها در ترموپیل در کنار مادها با اسپارت‌ها جنگیدند (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۵۲۱). آراین به روشنی دو گروه از کاسی‌های دشت نشین و کوه نشین را متمایز کرد. و طبق نوشته او کاسی‌های ساکن دشت تابع ساتراپ پارس بودند اما کاسی‌های ساکن کوهستان از پارس تبعیت نمی کردند و در زمان حمله اسکندر برای او پیغامی فرستادند که فقط در صورت دریافت آنچه سابقاً از پادشاه پارس هنگام عبور دریافت می کردند به او و سپاهیان‌ش اجازه گذر از سرزمینشان را خواهند داد (تی پاتیس، ۱۳۸۵، ص ۵۳۶ و ۵۳۷). براساس پژوهش‌های محققان ثابت شده که نژاد کرد نمودار مردمان زاگرس می باشد که در روزگار کهن در سرزمین زاگرس ساکن بوده‌اند و با طوایف هندواروپایی به هم پیوسته‌اند و احتمالاً با هم از یک نژادند (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۸). گروهی از محققین کردها را از اخلاف کوتی، لولوبی، هیتی و کاسی می‌دانند و از نژاد هندواروپایی به شمار آورده‌اند (صفی زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۵). کوتیان به سبب نزدیکی با قلمرو آشوریها غالباً مورد تهاجم آنها قرار می گرفتند و اگر چه خود در برابر آشوریها ایستادگی می کردند اما سرانجام با ایلامی‌ها متحد شدند و توانستند دولتی

مستقل به وجود بیاورند و به خاک آشور و بابل حمله نمودند. ساکنین بابل و اطرافیان متحد شدند و کوتیان را از سرزمین خود راندند و در جنگی که میان بابلیان و کوتیان اتفاق افتاد بابلیان توانستند قدرت را از دست کوتیان خارج نمایند و قدرت را در بین-النهرین بدست بگیرند ولی پس از مدتی کوتی‌ها مجدداً قدرت یافتند و پادشاه بابل را به اسارت گرفتند (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۷). مقتدرترین فرمانروای لولوبی، آنوبانی‌نی است که از سال ۲۲۳۸ تا ۲۲۰۰ ق.م فرمانروایی کرده است و از خود سنگ نوشته‌ای در سر پل-ذهاب به یادگار گذاشته است. نارام سین پادشاه اکد در جنگ با لولوبیان آنان را شکست داد و به یادگار این فتح گزارشی در دامنه تنگه‌ای کنده است. تیگلات پیلسر اول پادشاه آشور (۱۱۱۵-۱۱۰۰ ق.م) با لولوبی‌ها به سختی جنگید و آشورناسیرپال (۸۸۴-۸۸۰ ق.م) چهار بار به سرزمین لولوبی‌ها لشکر کشید و بیش از بیست شهر و روستای لولوبیان را تصرف کرد. سرانجام در زمان سرداری شلمنصر آشوری (۸۵۹-۸۲۴ ق.م) آنها با لولوبیان صلح نمودند (صفی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۴۹). در سپیده دم هزاره دوم ق.م همان موقع که کاسیان پادشاهی بزرگی که حمورابی در بابل با دشواری تاسیس کرده بود منقرض ساختند، هیتیان هم نواحی شمال عراق از منطقه کوههای زاگرس را با قدرت تصرف نمودند (امستد، ۱۳۴۰، ص ۲۳۵). در آغاز سده پانزدهم ق.م فرمانروایی هیتیانی نیرومندی در مناطق مزبور وجود داشته که آشوریان را در شرق و هیتیها و مصریان را در غرب سرجای خود نشانده و به احترام به هیتیان وا می‌داشته است (امستد، ۱۳۴۰، ص ۲۴۶). در فاصله سالهای ۱۵۰۰ و ۱۴۶۰ ق.م دولت هیتیانی میتانی نفوذ و قدرت زیادی در بین-النهرین علیا در زاگرس شمالی داشت. در آن دوران پادشاهان آشور تابع فرمانروای هیتیانی دولت میتانی بوده‌اند، چون هنگامی که یکی از آشوریان جرات به خرج داد و سر به شورش برداشت شائوشر فرمانروای هیتیانی، آشور را تاراج کرد و آنها را شکست داد (امستد، ۱۳۴۰، ص ۲۶۸). در دوران هخامنشی راه باریکی از شوش به سوی جنوب غربی به تخت جمشید و پاسارگارد پارس می‌رسید و از کوههای بلند می‌گذشت که در آن سرزمین کاسیان ساکن بودند و برای گذشتن از آنها حتی پادشاهان پارس به کاسیان باج می‌دادند (امستد، ۱۳۴۰، ص ۲۲۲). آریوبرزن در منطقه کاسیان در مقابل اسکندر مقاومت سختی نمود و عاقبت در مواجهه با اسکندر کشته شد

(برایان، ۱۳۷۸، ص ۶۸۵). میان سرزمین کاسیان و شوش روابط کهن برقرار بود و این را می‌توان از فرماندهی مشترک ساتراپ شوش بر واحدهای نظامی شوش و واحدهای کاسی دریافت (برایان، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱۸). به روایت آیین شاه بزرگ پارس یا نماینده او هر سال با روسای کاسی‌ها در مدخل گردنه کوهستان شمال غربی پارس وعده ملاقات داشته‌اند و در آنجا مراسمی برپا می‌شده است که در طی آن طرفین در برابر یکدیگر متعهد به قرارهایی می‌شده‌اند. اهداء عطایای شاهی در اینجا به کاسی‌ها نیز مثل همه جای دیگر به معنای شناختن ضعف پادشاهی نیست بلکه برعکس وسیله‌ای برای ایجاد وابستگی و پیوند هدیه گیرنده و هدیه‌دهنده است به یک معنا، کاسی‌ها از این طریق متعهد به وفاداری در برابر پادشاه می‌شدند و شاه در این میان از این امتیاز برخوردار می‌شد که بدون جنگ و جدال از وفاداری و اطاعت کاسی‌ها اطمینان یابد و از سوی دیگر احتمالاً کاسی‌ها در این ملاقات‌ها متعهد می‌شدند که در وقت ضرورت و احضار برای سپاهیان شاه بزرگ سرباز بفرستند. بنابراین کاسی‌ها بدون تردید بریده از دنیای پارسیان (هخامنشیان) نبودند (برایان، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲۴ و ۱۵۲۵).

نتیجه گیری:

با انجام این تحقیق ما به نتایج مختلفی راجع به مردمان هیتی، کوتی، کاسی و لولوبی دست پیدا می کنیم. آنها مردمی هستند که بر اساس آثار به جای مانده و تحقیقات انسان‌شناسی از حدود چهارهزار سال ق.م در کوهستان‌های زاگرس ساکن بوده‌اند. ما امکان تعلق آنها را به دو نژاد بدست آوردیم، اینکه یا از نژاد هندواروپایی هستند یا از نژاد آسیانی می باشند و در هر صورت هر چهار گروه آنها متعلق به یکی از این نژادها هستند یعنی هر چهار گروه یا هندو اروپایی هستند و یا از نژاد آسیانی می باشند. ثابت گردید که اصول اصلی تمدن جهان از این منطقه بود که به بین‌النهرین منتقل گردید و ایشان توانستند در زمینه‌های تمدنی و فرهنگی به پیشرفت‌های زیادی نائل گردند. این مردمان کم کم توانستند رابطه متقابلی را با بین‌النهرین داشته باشند و هر کدام برای مدت زمانی حکومت در بین‌النهرین را بدست بگیرند که طولانی‌ترین زمان حضور آنان در بین‌النهرین مربوط به کاسی‌ها می باشد که پنج قرن بر آنجا حاکمیت داشتند. از این مردمان آثار باستانی چندی در کوههای زاگرس و مناطق مختلف آن باقیمانده است که اکنون در موزه های کشورهای غربی و آسیایی نگهداری می گردد و هر کدام از این آثار نشان دهنده بخشی از فرهنگ و تمدن این مردم می باشد. بعضی از فرمانروایان آنان کتیبه‌هایی بر کوههای زاگرس از خود به یادگار گذاشته‌اند که نشان دهنده نوع لباس پوشیدن و دین و فرهنگ آنها می باشد و همین کتیبه‌ها بود که بعدها در ابعاد بزرگتری مورد تقلید پادشاهان شرقی خصوصاً هخامنشیان قرار گرفت. از ویژگی خاص این مردم که در تحقیق بدان اشاره رفت و شاید منحصر به این مردم بود عدم وجود بردگی و وجود مجلس مردمی و مبارزه با رباخواری بوده است. آنها در مواقع لزوم برای مبارزه با دشمنان خارجی با هم متحد شده و به جنگ دشمن خود می رفتند. این تحقیق بخشی از ویژگی‌های این مردم را در طول تاریخ برای ما روشن گرداند و هنوز جای بسیاری برای تحقیق در مورد آنها وجود دارد.

منابع:

- ۱- امان الهی بهاروند، اسکندر: قوم لر، آگاه، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴
- ۲- امستدات: تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، مترجم محمد مقدم، ابن سینا، تهران ۱۳۴۰
- ۳- برایان، پی: تاریخ امپراطوری هخامنشیان، مترجم مهدی سمسار، جلد اول و دوم، زریاب، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۸
- ۴- بهزادی، رقیه: قوم‌های کهن در قفقاز-ماورای قفقاز- بین‌النهرین و هلال حاصلخیز، نی، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۴
- ۵- بهمنش، احمد: تاریخ ملل قدیم آسیای غربی، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۹
- ۶- پیرنیا، حسن: ایران باستان (تاریخ مفصل ایران قدیم)، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۶
- ۷- تی پاتیس، دنیل: باستان شناسی ایلام، مترجم زهرا باستی، سمت، چاپ اول، تهران ۱۳۸۵
- ۸- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ: تاریخ ماد، مترجم کریم کشاورز، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۴
- ۹- رواسانی، شاپور: جامعه بزرگ شرق، شمع، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰
- ۱۰- رو، ژرژ: بین‌النهرین باستان، مترجم عبدالرضا هوشنگ مهدوی، آبی، چاپ اول، تهران ۱۳۶۹
- ۱۱- سرگذشت عراق باستان، مترجم عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیکان، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۱
- ۱۲- سهرابی، محمد: لرستان و تاریخ قوم کاسیت (کاسیان)، افلاک، چاپ اول، خرم آباد ۱۳۷۶
- ۱۳- سویشر، کلاریس: خاور نزدیک باستان، مترجم عسکر بهرامی، ققنوس، چاپ اول، تهران ۱۳۸۳
- ۱۴- صفی زاده، صدیق: تاریخ کرد و کردستان، آتیه، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸

- ۱۵- کمرون، جرج گلن: ایران در سپیده دم تاریخ، مترجم حسن انوشه، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۸
- ۱۶- گریشمن، رومن: ایران از آغاز تا اسلام، مترجم محمد معین، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۴
- ۱۷- -----، رومن: هنر ایران دوره ماد و هخامنشی، مترجم عیسی بهنام، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰
- ۱۸- لینتون، رالف: سیر تمدن، مترجم پرویز مرزبان، دانش، چاپ اول، تهران ۱۳۳۷
- ۱۹- مجیدزاده، یوسف: تاریخ و تمدن بین‌النهرین: جلد اول و دوم، نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶
- ۲۰- مجیدی کرائی، نورمحمد: مردم و سرزمینهای استان کهگیلویه و بویراحمد، بازتاب اندیشه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱
- ۲۱- مشکور، محمد جواد: جغرافیای تاریخی ایران باستان، دنیای کتاب، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱
- ۲۲- ناردو، دان: بین‌النهرین باستان، مترجم سهیلا سمی، ققنوس، چاپ اول، تهران ۱۳۸۵
- ۲۳- ن- نیکولکسی، آبراموویچ و ژ. ایلین و آ. فیلیپ اوف و آ. کاژدان: تاریخ جهان باستان، مترجمان مهندس صادق انصار و دکتر علی الله همدانی و محمد باقر مومنی، جلد اول، اندیشه، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۰